**علی جوادی**

**وقتی اسلام و سرمایه در هم ادغام میشوند**

در حاشیه سخنان بی شرمانه وزیر بهداشت حکومت اسلامی

قانونی و شاید هم سنتی در رسانه های تصویری غرب وجود دارد که قبل از نمایش عکس ویا صحنه ای شنیع و تکان دهنده به بینندگان خود هشدار میدهند و از آنها میخواهند که در صورت بیماری قلبی و یا حساسیت های معینی از تماشای آنچه در ادامه خواهد آمد، خود داری کنند. شاید ذکر چنین هشداری در این جا نیز بی مسما نباشد.

اخیرا وزیر بهداشت در مصاحبه خود مطالبی گفته است که عمق نگرش کثیف اسلام و سرمایه را در قبال جان انسان به نمایش میگذارد. نفرت و انزجار هر انسانی را که ذره ای حس انسانیت در وجودش جاری است، بر می انگیزد. ماجرا از این قرار است:

مصاحبه گر می پرسد: "خانواده های که به این بیماری مبتلا هستند، فرزندانشان به این بیماری مبتلا هستند، میگویند وزارت بهداشت نسبت به این موضوع کمکی نمیکند، این بیماری را برسمیت نمی شناسد و اجازه واردات دارو برای این بیماری را نمیدهد."

و سید حسن هاشمی وزیر بهداشت حکومت اوباش اسلامی پاسخ میدهد: "خیلی خوب، حالا مردم ایران اجازه میدهند که برای افزایش دو سال، سه سال عمر، خلاصه ما بریم هر سال یک میلیارد تومان هزینه کنیم. اگر این اجازه را میدهند معنی اش این است که از یک جایی دیگری بزنیم. ما از این بیماری ها متعدد داریم. هزینه های فوق العاده زیاد در عین حال طول عمر پایین... بعضی از این بیماریها طول عمرشان محدود است... من الان موندم برم شیر خشک را تامین کنم، واکسن را تامین کنم، یا داروی کسی را تامین کنم که حیاتش بسته به این است در طول عمرش این دارو را داشته باشد؟"

و این وزیر بهداشت حکومت اسلامی است!

شاید، شاید اگر این سخنان را شکنجه گران و تیر خلاص زنهای رژیم در مقابل زندانیان به خاک و خون کشیده شده مطرح میکرد، کمتر حس تنفر و انزجار تک تک سلولهای وجود انسان را پر میکرد. اما نه! این آقا از قرار وزیر "بهداشت" است. ظاهرا دژخیم و شلاق به دست نیست. شاید هم در تعریف شغلی اش نوشته باشند که باید برای بهبود بهداشت و طول عمر شهروندان جامعه تلاش کند. شاید!

و این پاسخ حکومت اسلامی به مردمی است که عزیزترین عزیزانشان به بیماری مهلکی مبتلا هستند که حداقل درمانی، حتی اگر کوتاه مدت، برای آن وجود دارد. این مردم میدانند دارویی وجود دارد که میتوانند حداقل برای دو تا سه سال هر روز عزیزشان را در آغوش بگیرند. بوسه باران کنند. و بگویند که چقدر برایشان عزیزند. اما نه! نمیتوانند. این انسانها از قرار نمیتوانند حتی آرزو کنند که سالگرد تولد فرزندشان را یک یا دو یا سه بار دیگر جشن بگیرند. چرا که در این سرزمین لعنتی و اسلام زده حکومتی حاکم است که حتی این امکان و احتمال را از آنها دریغ میکند و وزیر "بهداشت" اش با بی شرمی تمام میگویند، چرا باید "هر سال یک میلیارد تومان هزینه کنیم"؟ (یک میلیارد تومان با احتساب هر دلار ١٥-١٤ هزار تومان، تقریبا معادل ٧٠ هزار دلار در سال و ٢٠٠ دلار در روز میشود)

به چند نکته این مردک جنایتکار باید پاسخی صریح داد. میگویم مردک جنایتکار، چرا که این فرد مستقیما مسئول مرگ زود رس انسانهای عزیزی است که به بیماری ای مبتلا هستند که در حال حاضر حداقل درمان موقت آن موجود است.

**"باید از جای دیگری بزنیم"**

این مردک تلاش میکند وانمود کند که اگر اجازه واردات به چنین داروهایی بدهند باید "از جای دیگری" بزنند. شیر خشک و واکسن را مثال میزند. اما چه کسی است که در پاسخ این استدلال مزورانه نگوید که نه لازم نیست از شیر خشک و واکسن بزنید. مگر در ایران نکبت زده بهداشت و درمان رایگان است. مگر پول این داروها را از بیماران بخت برگشته دولا و سه لا و با سود فراوان نمیگیرید؟ مگر این داروها را، این عزیزان بخت برگشته، نباید در ناصر خسرو و بازار سیاه جستجو کنند؟ قانون ظروف مرتبه کمکی به این اوباش اسلامی نمیکند.

ثانیا حتی اگر این داروها را "مجانا" در اختیار جامعه قرار میدادند، باز هم کسی از این جنایتکاران نمی پذیرفت که از "شیرخشک و واکسن" مردم بزنند. همان مردمی که در خیابانها مشتهای گره کرده شان را جامعه بشری دیده است، همان مردمی که فریادهای مگر بر این حکومتشان را همگان شنیده اند، فریاد خواهند زد که از بودجه سپاه آدمکشان بزنید. از بودجه دستجات بسیجی و گله آخوندهای مفت خور بزنید. از بودجه تقویت تروریسم اسلامی در ایران و منطقه بزنید. کمتر دزدی کنید. کمتر چپاول کنید. و به قول بسیاری از همین مردم معترض "اگر یک دزدی کم بشه، مشکل ما حل میشه"!

ثالثا مگر این اوباش شیر خشک و واکسن و پوشک را به اندازه کافی و با ارائه سوبسید در اختیار جامعه قرار داده اند که کسی این ادعا را از این جنایتکاران بپذیرند. مگر جوک "موشک و پوشک" را نشینده اند؟

رابعا مگر امکانات و ارز و تمامی ثروت جامعه ارث پدری این اوباش است؟ مگر این ثروت را با کار و تلاش شبانه روزی خود بدست آورده اند؟

**اسلام، سرمایه، ارزش انسان؟**

گفته های وزیر بهداشت حکومت اسلامی دریچه ای است به نگرش ضد انسانی نهفته در اسلام و سرمایه. در این جامعه سرمایه داری اسلام زده، همانطور که نیروی کار به کالایی قابل فروش تبدیل شده است، و زمانی به فروش میرسد که مصرفش منجر به تولید سود و ارزش اضافه برای صاحبان سرمایه شود، در غیر این صورت بیکاری و پرتاب شدن به گوشه و کنار جامعه سرنوشت محتمل شان است. همانطور هم جان انسانی که سود و ارزشی نمیتواند برای صاحبان وسایل تولید و سرمایه ایجاد کند، چندان ارزشی ندارد. این نگرش سرمایه است. این نگرش اسلام است. و اگر در برخی از همین جوامع کم و بیش بیمه درمانی حداقلی موجود است، اگر کماکان بیمه بازنشستگی ناچیزی موجود است، اگر هنوز سالمندان را تماما به گوشه خیابانها پرتاب نمیکنند، این وضعیت نه حاصل "دلسوزی" و "شفقت" سرمایه و یا اسلام، بلکه حاصل تلاش و مبارزات آزادیخواهانه و انسانگرایانه و سوسیالیستی در این جوامع است. شرایطی که به حکومتهای طبقاتی در این جوامع تحمیل شده است.

به این شرایط ضد انسانی باید پایان داد. محروم کردن بیماران از امکان درمان یک جنایت علیه بشریت است. بیماران باید از تمامی امکانات موجود در جامعه بشری در برخوردار باشند. بهداشت و درمان رایگان حق هر انسانی است که چشم به این جهان باز میکند. امتیاز نیست، که خاص طبقات دارای جامعه باشد. کالا نیست، که خریداری شود. یک حق است، حقی انسانی!

سرنگونی رژیم اسلامی شرط ضروری دست یابی به یک جامعه انسانی است. جامعه ای که حیات و رفاه و سعادت انسان رکن اصلی قانون اساسی اش است. ما در فردای شیرین سرنگونی رژیم اسلامی تمام این جانیان را به جرم جنایت علیه مردم ایران محاکمه خواهیم کرد. آن روز دور نیست!